

زیبایی‌آفرینی در سبک‌های لایه‌ای و مضامین عاشقانه غزلیات مجد در مقایسه با زیبایی مضمونی و بصری شاهنامه بزرگ مغولی

چکیده

مجد همگر از شاعران سدهٔ هفتم هجری و از سخن‌وران زبانزد آن روزگار است که در عصر حاضر کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پراکندگی نسخه‌ها و نبود تصحیح معتبری از دیوان مجد، یکی از عمده‌ترین دلایل گمنامی اوست. یکی از آثار ادبی مقارن با این دوره تاریخی، شاهنامه بزرگ مغولی است که از نظر زیبایی‌شناسی از آثار فاخر ادبی و هنری قرن هفتم محسوب می‌شود. بررسی تطبیقی این دو اثر از نظر زیبایی‌شناسی حائز اهمیت بسزایی است. در پژوهش حاضر غزل‌های مجد همگر بر اساس سبک‌شناسی لایه‌ای در پنج لایهٔ آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و ایدئولوژیک مورد ارزیابی قرار گرفته و با شاهنامه بزرگ مغولی مقایسه شده است. این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. مطالعهٔ سبک شناسانهٔ سطوح مختلف غزل‌های دیوان مجد همگر نشانگر آن است که او به لایهٔ آوایی و بُعد موسیقایی کلام توجه ویژه داشته است. دستورمندی و دور بودن از هرگونه تعقید، پرهیز از کاربرد واژگان نامتداول و ناهمگن با فضای غزل، تک معنایی بودن ابیات و تکیه بر مضامین عاشقانه از جمله نتایج حاصل از تحقیق حاضر است. نتایجی که پژوهشگر به تبع آن‌ها توانست به وجود برخی شعرهای نامنسجم در بخش غزلیات نیز پی‌ببرد. پس از بررسی سبک شناسانه و تبیین ممیزه‌های غزل مجد، شعرهایی که با چشم‌انداز کلی قالب غزل در دیوان مجد هم‌خوانی ندارند و جایگاهشان در میان سایر غزل‌ها و انتسابشان به مجدهمگر مورد تردید است، معلوم گردید. از سوی دیگر زیبایی در غزلیات مجد همگر با زیبایی در شاهنامه بزرگ مغولی همخوانی دارد.

اهداف پژوهش:

۱. تحلیل سبک‌شناسی لایه‌ای اشعار مجد همگر.
۲. بررسی تطبیقی از زیبایی در اشعار مجد با زیبایی مضمونی و بصری در شاهنامه بزرگ مغولی.

سؤالات پژوهش:

۱. براساس سبک‌شناسی لایه‌ای چه لایه‌های را می‌توان برای اشعار مجد برشمرد؟
 ۲. اشعار مجد و شاهنامه بزرگ مغولی چه مختصاتی از نظر زیبایی‌آفرینی دارند؟
- کلیدواژه‌ها:** سبک‌شناسی لایه‌ای، مجد همگر، سبک عراقی، شاهنامه بزرگ مغولی، غزل.

مقدمه

خواجه مجدالدین هبه‌الله بن احمد (محمد) همگر یزدی (۶۰۷ - ۶۸۴ ه.ق.)، از شاعران تراز اول روزگار خود بود. دیوان مجد همگر در دوران او بسیار معروف بوده است و سخنوری و ذوق هنری او شهره خاص و عام بود. اغلب تذکره‌نویسان، سخن‌وری و نکته‌سنجی او را ستوده‌اند. چنان‌که از تذکره‌ها برمی‌آید، نکته‌سنجی و دقت مجد در حوزه نقد شعر موجب می‌شد تا به هنگام داوری در سنجش عیار کلام دیگر شعراء، به او مراجعه کنند. تصحیحی که اکنون از دیوان مجد در دسترس است و پایه پژوهش حاضر نیز آن بوده - تصحیح احمد کرمی است. تصحیح دیگری از دیوان مجد به صورت پایان‌نامه دانشگاهی صورت گرفته (مصطفی منصف، ۱۳۷۶، به راهنمایی عابدی و مشاوره عباس ماهیار)؛ در این تصحیح با توجه به نسخه‌هایی که مصحح در دست داشته دیوان مجد حدود ۲۶۵۴ بیت دارد. با توجه به شهرت و اعتبار مجد در میان معاصران خود و آشفتگی‌های به وجود آمده در دیوانش، مطالعه سبک-شناسانه کلام او می‌تواند علاوه بر شناساندن جایگاه ادبی او به مخاطبان، در صحت و سقم انتساب برخی از اشعار و یا محل قرار گرفتن آن‌ها در دیوان، راهگشا باشد. خاصه سبک‌شناسی لایه‌ای که به واسطه آن در هر بخش کوچک-ترین عناصر کلام نیز در مطالعه و تحلیل متن در نظر گرفته می‌شود. در همین مقطع تاریخی شاهد آفرینش اثر ادبی-هنری دیگری به نام شاهنامه بزرگ مغولی هستیم که از نظر مضمونی و بصری دارای عناصر زیبایی شناختی بسیاری است لذا بررسی این دو اثر ادبی در این مقطع تاریخی را می‌توان به عنوان یک ضرورت مورد توجه قرار داد.

درخصوص پیشینه پژوهش حاضر باید گفت تاکنون پژوهش مستقلی با این عنوان به رشته تحریر در نیامده است با این حال آثاری به بررسی سبک شعری و آثار مجد پرداخته‌اند. گذشته از معرفی مجد در کتب سبک‌شناسی و تاریخ ادبیات، پژوهش‌های انگشت‌شماری نیز پیرامون اشعار او صورت گرفته است. مقاله‌ای با عنوان «مجد همگر و نقد شعر» (۱۳۹۳)، توسط روح‌الله خادمی و حسین کرمی (مصحح دیوان مجد) در فصلنامه کاوش‌نامه چاپ شده است. مجد همگر به سخن‌سنجی معروف بود و گاه نیز در قیاس میان عیار شاعران گوناگون از او طلب داوری می‌کردند. مقاله ذکر شده - همانگونه که از عنوان آن معلوم است - به این بُعد از شعر مجد توجه کرده و بوطیقا یا نظریه‌های مجد در مورد شعر و شاعری مورد بررسی قرار داده است. خادمی و کرمی مقاله دیگری نیز در باب شعر مجد همگر در فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی (بهار ادب) به چاپ رسانده‌اند. موضوع مقاله چنین است: «بررسی سبک شعر مجد همگر شیرازی از دیدگاه مسائل ادبی (۱۳۹۱) است». عنوان مقاله گواه آن است که از نظر موضوع نزدیک‌ترین پژوهش به پژوهش حاضر باید باشد. حال آنکه این مقاله صنایع کلاسیک بیان و بدیع را در دیوان مجد - با تکیه بر قصاید شاعر - بررسی کرده است.

روح‌الله خادمی و محمد حسین کرمی، مقاله دیگری نیز با عنوان «جست‌وجو در احوال و اشعار مجد همگر» در شماره ۵۵ آئینه میراث به چاپ رسانده‌اند؛ این مقاله برای مخاطبانی است که می‌خواهند کلیتی از محیط، زندگی و دیوان شعر مجد همگر بدانند. احمدرضا یلمه‌ها با انتشار مقاله «بررسی تطبیقی رباعیات مجد همگر با دیگر نسخ خطی و چاپی» به رباعیات مجد و صحت و سقم انتساب آن‌ها در نسخ خطی توجه کرده است. از میان پایان‌نامه‌های نگاشته شده در باب شعر مجد همگر، با توجه به موضوع مورد بحث ما، «نقد و تحلیل غزلیات مجد همگر» (۱۳۹۱) نوشته ساره نیکوکار، حائز اهمیت است که در آن ویژگی‌های شاخص ادبی شعر مجد، صورخیال و تصویرسازی‌هایش مورد بررسی قرار گرفته است. مقاله حاضر در بررسی شواهد و ارائه نتایج، با هر کدام از پژوهش‌های ذکر شده، از وجه

یا وجوهی تفاوت دارد، بررسی عناصر زبانی، ادبی و فکری غزل‌های مجد در لایه‌های مختلف سبکی و در نتیجه تردید در صحت انتساب برخی شعرها و یا عدم تعلق آن‌ها به قالب غزل، محوری‌ترین بحث مسئله است که آن را از سایر کارها جدا می‌دارد.

نتیجه‌گیری

موارد منتج از پژوهش حاضر در شش مورد قابل دسته‌بندی است؛ نتایج حاصل از بررسی جداگانه لایه‌های پنج‌گانه و برآیند مشترک آن‌ها عبارتند از: تمایل شاعر به برجسته‌کردن لایه آوایی بیش از لایه‌های دیگر است. بنابراین او توازنی را که موجب شود مخاطبش هم‌زمان با ساحت موسیقایی کلام به دیگر لایه‌ها، خاصه لایه ایدئولوژیک شعر نیز دقت کند، ایجاد نکرده است. کاربرد انواع صنایع لفظی و اصرار بر استفاده از شیوه‌هایی که موجب افزایش آهنگ و موسیقی کلام شود در سطح موسیقایی بسیاری از غزل‌ها قابل مشاهده است. آسان‌سازی و تلطیف فضای غزل، ویژگی‌ای است که در لایه واژگانی قابل مشاهده است. مجد همگر تا حد امکان از کاربرد واژگان مهجور و ناآشنا پرهیز کرده. کلمات عربی غزل‌ها از حد مرسوم عصر شاعر نه فراتر بلکه کمتر است؛ از واژه‌های ترکی مغولی که به روزگار او رواج پیدا کرده‌اند استفاده نمی‌کند. در ترکیب‌سازی مجد سخن و شیوه تازه‌ای ندارد و ترجیح او بر آن است تا از ترکیب‌های متداول عصر خود به همان سیاق رایج، استفاده کند؛ به عبارت دیگر نوآوری و خلاقیتی در این حوزه به چشم نمی‌آید. غزل مجد از تعقید لفظی به دور است. سلامت نحوی، دستورمندی و عدم ابتدال در این حوزه ویژگی مهم غزل‌های مجد است. حذف‌های او عموماً بلاغی است. نزدیکی مجد همگر به فحول شعرای سبک‌خراسانی و تأثیرپذیری او از آنان موجب شده است تا ویژگی‌های نحوی شعر پیش از او در غزل‌هایش بارز و برجسته باشد. تکرار افعال در جملات کوتاه و پی در پی، فاصله گرفتن پیشوند از فعل و یا آوردن حروف اضافه قبل و بعد از متمم از جمله این ویژگی‌هاست. اغلب غزل‌های مجد فاقد بیت تخلص است. در کاربرد کنایه بعضاً خلأقانه عمل می‌کند و استفاده از این عنصر بلاغی را از آنچه در معنی ادبی و اصطلاحی صرف انتظار می‌رود، فراتر می‌برد. استعاره‌های مصرحه مجد از نوع استعاره‌های دیگرانند و البته بسامدشان چندان نیز بالا نیست. توجه او بیشتر به استفاده از استعاره تخیله است؛ امری که موجب عاطفی‌تر شدن و جان‌دار بودن بار معنایی برخی عناصر، از جمله، عشق، غم و عناصر نزدیک به آن‌ها شده است. در بخش تشبیه بعضاً تلاش کرده تا تصویرآفرینی او هنری‌تر شود و مخاطب را به تلاش ذهنی بیشتر وادارد. از این رو تعداد کاربرد تشبیهات ضمنی و مضمیر قابل توجه است. اندیشه او در غزل از هرگونه ابهام به دور است و جایی برای تفسیر و تعبیر گوناگون عملاً باقی نمی‌ماند. محتوای غزل‌هایش عموماً عاشقانه است؛ او در عاشقانه‌های خود، وصف، گله و واگوبه‌های عاطفی و درونی را در هم می‌آمیزد. فراق معشوق و دست‌ندادن وصال در کنار توصیف زیبایی‌های معشوق کانونی‌ترین نقطه فکری اوست که البته در این بخش نیز برخلاف آنچه از غزل سبک عراقی به شکل معمول انتظار می‌رود، گله‌مندی، عجز و یا اغراق را از حد نمی‌گذراند؛ توجه او به موسیقی و بُعد آوایی کلام در این مقوله تأثیر بسیار دارد. شاعر اندک توجهی نیز به مفاهیم قلندرانه و عناصر متعلق به آن دارد. شیوه او در بخشی از غزل‌ها آوردن ابیات مدحی در پایان شعر است. ابیات متعلق به مدح و ستایشگری بعضاً از حد مورد انتظار در قالب غزل فراتر می‌روند که در این موارد کاربرد واژگان مربوط به حوزه قصیده و یا تغزل ذهن را از پذیرش و یا انتساب آن‌ها به بخش غزل، دچار تردید می‌کند و به نظر می‌رسد آشفتگی‌هایی در نسخ و یا سهوایی در تصحیح باید روی داده باشد. بر اساس ارزیابی سبک‌شناسانه، در لایه‌های واژگانی، بلاغی و

ایدئولوژیک، در صحت انتساب و یا درستی درج چند شعر در قالب غزل تردید جدی وجود دارد. واژگان نامتناسب برای فضای غزل، نوع صور خیال و همچنین هم‌خوان نبودن بُعد فکری دلایلی است که نشان از ناهماهنگی این شعرها با سیر کلی غزل‌های مجد همگر دارد. در شاهنامه بزرگ مغول نیز نظیر دیوان مجد عنصر ایدئولوژیک و هم عناصر بلاغی وجود دارد که توانسته بر زیبایی اثر بیفزاید.

منابع:

آذر بیگدلی، لطفعلی‌بیگ. (۱۳۷۸). آتشکده آذر، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر.
افهمی، رضا و همکاران. (۱۳۹۶). «شاهنامه بزرگ، سندی بر گفتمان ایرانی گرای ایلخانان»، باغ نظر، شماره ۵۴، ۶۴-۵۷.

اعظم کثیری، اتوسا. (۱۳۹۴). «زبان نگاره‌ها (بیان استعاری و وجوه نشانه‌ای در لایه‌های معنایی دو نگاره)». هنر اسلامی، ۱۱(۲۳)، ۲۳-۴۴.

اوحدی بلیانی، تقی‌الدین محمد. (۱۳۸۸). تذکره عرفات العاشقین و عرصات العارفین، با مقدمه و تصحیح محسن ناجی نصرآبادی، تهران: اساطیر.

بلر، شیلا؛ بلوم، جانانان. (۱۳۸۱). هنر و معماری اسلامی. ترجمه یعقوب آژند، تهران: سمت.

بویل، ج. آ. (۱۳۷۱). تاریخ ایران از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانیان، ترجمه حسن انوشه، ج ۵، تهران: انتشارات امیرکبیر.

پراندوجی، نعیمه و همکاران. (۱۳۹۳). «سبک‌شناسی گفته‌های داستانی در رمان الصبار سحر خلیفه». جستارهای زبانی. ۵(۲)، ۵۴-۳۱.

خادمی، روح‌الله؛ کرمی، محمد حسین. (۱۳۹۱). «بررسی سبک شعر مجد همگر شیرازی از دیدگاه مسائل ادبی»، فصلنامه تخصصی نظم و نثر فارسی، (بهار ادب)، شماره ۳، ۲۵۵-۲۷۰.
خادمی، روح‌الله؛ کرمی، محمد حسین. (۱۳۹۳). «جست‌وجو در احوال و اشعار مجدالدین همگر»، آیینة میراث، شماره ۲.

خادمی، روح‌الله؛ کرمی، محمد حسین. (۱۳۹۳). مجد همگر و نقد شعر، کاوشنامه، شماره ۲۹.
خراسانی، فهیمه و همکاران. (۱۳۹۵). «رمزگان و وجه: دو عامل متمایزکننده در سبک‌شناسی گفتمانی قصاید ناصر خسرو». جستارهای زبانی، ۷(۴)، ۱۹۳-۱۷۵.

درپر، مریم. (۱۳۹۲). سبک‌شناسی نامه‌های غزالی با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی، تهران: نشر علم.
درپر، مریم. (۱۳۹۲). «نقد و بررسی: لایه‌های بلاغی و ایدئولوژیک جایگزینی برای لایه‌های معنی‌شناسی و کاربردشناسی در کتاب سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها تألیف محمود فتوحی رودمعجنی». جستارهای زبانی. ۴(۴)، ۲۸۰-۲۶۹.

درپر، مریم. (۱۳۹۲). «بررسی ویژگی‌های سبکی داستان کوتاه «جشن فرخنده» از جلال آل‌احمد با رویکرد سبک‌شناسی انتقادی». جستارهای زبانی. ۴ (۱)، ۶۳-۳۹.

درپر، مریم. (۱۳۹۶). «سبک‌شناسی نشانه معنایی؛ سبک بوشی حضور در داستان کودکانه کلاغ سفید»، جستارهای زبانی. ۸ (۴)، ۴۶-۲۷.

درپر، مریم. (۱۳۹۳). «لایه‌های مورد بررسی در سبک‌شناسی انتقادی داستان کوتاه و رمان»، مجله جستارهای زبانی، شماره ۲۱، ۹۴-۶۵.

دولت‌شاه، سمرقندی. (۱۳۳۸). تذکره‌الشعرا، به کوشش محمدرضا رضانی، تهران: کلاله خاور.

دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۳). لغتنامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.

رازی، امین احمد. (۱۳۸۹). تذکره هفت اقلیم، به تصحیح محمدرضا طاهری، تهران: سروش.

زکریایی کرمانی و همکاران. (۱۳۹۷). «سبک‌شناسی تذهیب‌های قرآنی در مکتب شیراز با تأکید بر مؤلفه‌ی فرم‌های تزئینی. هنر اسلامی»، ۱۴ (۲۹)، ۲۰۱-۲۲۸.

سیمپسون، مرینا شیریر. (۱۳۸۸). شاهنامه در مقام متن و شاهنامه در مقام تصویر، از مجموعه زبان تصویری شاهنامه، ترجمه داود طبایی، تهران: فرهنگستان هنر.

شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۱). رستاخیز کلمات (نظریه ادبی صورت‌گرایان روس)، تهران: انتشارات سخن.

شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۷). «جادوی مجاورت»، مجله بخارا، شماره ۲، ۲۶-۱۶.

شهراد، الهه. (۱۳۹۳). «خاتون‌های شاهنامه بزرگ مغولی (تحلیل نقش و جایگاه زنان در شاهنامه بزرگ مغولی با رویکرد بازتاب)»، زن در فرنگ و هنر، شماره ۶، ۴۰۸-۳۹۱.

صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۱). تاریخ ادبیات در ایران، چاپ هشتم، تهران: فردوس.

فتوحی، محمود. (۱۳۹۱). سبب‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، تهران: سخن.

غیاثی، محمدتقی. (۱۳۷۳). «سیر تحول سبک‌شناسی»، پژوهش ادبیات معاصر جهان، شماره ۱، ۴۹-۶۸.

غیاثی، محمدتقی. (۱۳۷۴). «روش‌ها و هدف‌ها در سبک‌شناسی»، پژوهش ادبیات معاصر جهان، شماره ۲، ۱۴۵-۱۳۷.

کنبی، شیلا. (۱۳۸۲). نقاشی ایرانی، ترجمه مهدی حسینی، تهران: انتشارات دانشگاه هنر.

محمدنژاد، معصومه. (۱۳۹۵). «صورخیال در اشعار مجد همگر یزدی»، همایش ملی ادبیات غنایی.

مزینانی، ابوالفضل؛ نصیری، سحر. (۱۳۹۸). «طرح روش تحقیق جهت کاربست نظریه استدلال تولمین در سبک‌شناسی، تحلیل گفتمان، و زبان‌شناسی حقوقی». جستارهای زبانی. ۱۰ (۳)، ۸۹-۶۷.

مشهور، پروین‌دخت؛ فقیری غلام، محمد. (۱۳۹۳). «بررسی انواع زمان در دفتر چهارم، پنجم و ششم «مثنوی» با رویکرد «سبک‌شناسی رایانشی-پیکره‌ای»». جستارهای زبانی. ۵ (۱)، ۱۹۰-۱۶۷.

منصف، مصطفی. (۱۳۷۶). تصحیح دیوان مجد همگر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد: به راهنمایی محمود عابدی، تهران: دانشگاه تربیت معلم (خوارزمی).

مهرابی، معصومه؛ ذاکر، آرمان. (۱۳۹۵). «تحلیل سبک‌شناختی چند حکایت گلستان در پرتو دستور نقش‌گرای نظام مند هالیدی»، دوماهنامه جستارهای زبانی، ش ۱ (پیاپی ۲۹)، ۱۹۶-۱۷۳.

نیکوکار، ساره. (۱۳۹۲). نقد و تحلیل غزلیات مجد همگر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد: به راهنمایی حسین شهاب رضوی، یزد: دانشگاه آزاد اسلامی یزد.

همگر یزدی، خواجه مجدالدین. (۱۳۷۵). دیوان مجد همگر، به تصحیح احمد کرمی، تهران: انتشارات ما.

یلمه‌ها، احمدرضا. (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی رباعیات مجد همگر با دیگر نسخ خطی و چاپی»، متن‌شناسی ادب فارسی، شماره ۱.